

بررسی تحلیلی دیدگاه شیعه نسبت به شبیه‌سازی

مرجان سهرابی^۱

غفور خوئینی^۲

چکیده

شبیه‌سازی به عنوان یکی از دستاوردهای نوین علم پزشکی توانسته افق‌های تازه‌ای را در پیش چشمان بشر بگشاید، اما هم‌زمان با اعلام نتایج موفق این فناوری، موضع‌گیری‌های متفاوت و بعضاً سرسختانه‌ای در مقابله با آن از سوی دانشمندان علوم مختلف شکل گرفت. در این بین اگرچه شبیه‌سازی با به کارگیری صحیح می‌تواند منشأ خدمات بزرگی از جمله جلوگیری از تولد نوزادان معیوب، نجات جانوران در حال انقراض و... به بشریت شود؛ علمای علم اخلاق و جامعه‌شناسی، فلسفه و حقوق (با اعتقاد به بروز اختلال در حوزه‌های خود) همچنین کلیسای کاتولیک، ارتدوکس و علمای یهود و برخی مسلمانان به مخالفت شدید با انجام آن به عنوان باوری فاقد اصول اخلاقی و انسانی، پرداخته و خواستار توقف تحقیقات آن شدند، در حالی که معدود موافقان مشروعیت تحقیقات در این زمینه، اکثریت فقهای شیعه بودند.

در این نوشتار تلاش شده با تبیین علمی شبیه‌سازی، فواید، مضرات و پیامدهای این مسأله و نیز چالش‌های مطرح‌شده از سوی دانشمندان و با توجه به رویکرد دینی مطالعه و اعتقاد به پویایی فقه شیعه، به تشریح آرای علمای مسلمان خصوصاً فقهای شیعه (عمده موافقان موجود در این زمینه) پرداخته و به دنبال آن به تبیین ادله مشروع بودن این عمل از نگاه فقهای شیعه و تدوین آرای ایشان در مقابل ایرادات وارده بر شبیه‌سازی

۱. کارشناس ارشد فقه و حقوق، پژوهشگر پژوهشکده فلسفه و حقوق تطبیقی، تهران، ایران.

۲. دانشیار دانشگاه خوارزمی، رییس پژوهشکده فلسفه و حقوق تطبیقی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: khoeini@pmu.ac.ir

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۶/۱/۲۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۶/۶/۳۰

و نیز ارائه پاسخ اتخاذی علما بپردازد. همچنین با تحلیل نظرات علمای دینی موافق و مخالف، با ادله توجیهی آنها کوشیده تا با کنار هم گذاشتن نظرات موافق و مخالف و دلایل آنها بتوان امکان استنتاج رأی معقول و منطقی در این زمینه را برای علاقمندان فراهم کند.

واژگان کلیدی

شبیه‌سازی، تولید مثل غیر جنسی، مذهب شیعه

مقدمه

کلونینگ یا همان شبیه‌سازی که به دو بخش شبیه‌سازی انسانی و شبیه‌سازی پژوهشی^۱ یا درمانی^۲ تقسیم می‌شود، دو مقوله‌ای هستند که در اخلاق زیستی به طور جداگانه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند. در این دو گونه از شبیه‌سازی شروع کار مشابه، اما نتیجه کاملاً با هم متفاوت است. در نتیجه شبیه‌سازی انسانی، فردی به وجود می‌آید که از لحاظ ژنتیکی کاملاً شبیه فردی است که از هسته فعال او استفاده شده است، در حالی که در همانندسازی درمانی، هدف تهیه سلول‌های بنیادی جنینی از جنین چندروزه و در حال رشد است. این سلول‌های بنیادی^۳ از لحاظ ژنتیکی شبیه فردی است که از هسته فعال او استفاده شده و خاصیت آن‌ها این است که قابلیت تبدیل به هر بافتی را دارند و در موقع بیماری فرد و حتی در موارد نیاز به پیوند عضو، با کشت این سلول‌ها و تبدیل آن‌ها به عضو مورد نیاز و همچنین برای آزمایشات علمی خصوصاً بررسی تأثیر داروها بر روی آن‌ها به جای این که روی انسان کامل انجام گیرد، می‌توان از آن‌ها بهره جست. بدین ترتیب بعد از تهیه سلول‌های بنیادی از این جنین، دیگر آن را به رحم منتقل نکرده و از بین می‌رود (در این مرحله جنین حدود ۴ تا ۵ روز بیشتر از عمرش نگذشته است).

در این تحقیق بحث اصلی ما در مورد شبیه‌سازی انسان و ایرادات وارد بر آن و موارد مترتب بر آن است، هرچند هر جا دو مقوله به هم نزدیک شده موارد مترتب بر شبیه‌سازی درمانی نیز ذکر شده است.

اما در مورد کلونینگ انسانی یا تولیدی، لقاح طبیعی در جانوران و گیاهان با ترکیب سلول جنسی نر (اسپرم) با سلول جنسی ماده (تخمک یا اوول) اتفاق می‌افتد.

تعداد کروموزوم‌های سلول‌های جنسی در هر جاندار، نصف تعداد کروموزوم‌های سلول‌های دیگر بدن آن موجود می‌باشد، مثلاً در انسان که ۴۶ کروموزومی است سلول‌های جنسی هر فرد دارای ۲۳ کروموزوم هستند و بر اثر لقاح و اتحاد هر دو هسته، این عدد تکمیل می‌شود و جنینی که به وجود می‌آید، دارای هسته ۴۶ کروموزومی است و این بدان معنا است که هسته تخمک و اسپرم، مشترکاً در تشکیل جنین دخالت دارند، اما در شبیه‌سازی، تخمک در ساخت جنین نقش اساسی ندارد و چون هسته‌اش برداشته شده است، تنها نقش پرورش جنین را به عهده دارد. از طرفی با ترکیب یک هسته سلول غیر جنسی ۴۶ کروموزومی در درون تخمک نیازی به اسپرم نیز وجود ندارد و به زبان ساده در شبیه‌سازی، جنس مذکر نقش خود را در تولید مثل از طریق اسپرم، از دست می‌دهد و تنها صاحب هسته سلول است که در خصوصیات جنین نقش دارد، این دهنده سلول می‌تواند مرد باشد، یا زن باشد.

از نظر تئوریک، هر سلول غیر جنسی انسان یا حیوان دارای تمام اطلاعات ژنتیکی لازم برای ایجاد موجودی مشابه خویش است. متخصصان این علم سلول‌ها را به تخصص‌نیافته و تخصص‌یافته تقسیم می‌کنند و از این منظر، زیگوت تک‌سلولی یا تخمک بارور شده، یک سلول تخصص‌نیافته است و به همین دلیل قابلیت آن را دارد که به همه اندام‌های مختلف و مورد نیاز بدن انسان تبدیل شود، اما به همان مقداری که زیگوت به تقسیم سلولی خود ادامه می‌دهد و اندام‌های تازه‌ای می‌سازد، حالت تخصص‌یافتگی آن افزایش می‌یابد و انعطاف‌پذیری آن کم‌تر می‌شود تا جایی که سلول‌های جدید تنها می‌توانند سلول‌های مشابه خود را به وجود آورند و

نتیجه این می‌شود که نمی‌توان از سلول تخصص‌یافته، یعنی سلول جسمی، انسان یا حیوان کاملی پدید آورد.

اما در ۱۹۹۷ خلاف این یافته به اثبات رسید؛ یان ویلموت و همکارانش موفق شدند از طریق سلول تخصص‌یافته، با گرفتن یک تخمک بارورنشده از پستانداری ماده و تخلیه هسته تخمک و گزینش یک سلول جسمی^۴ و تخلیه هسته آن و هدایت آن به درون تخمکی که هسته آن خارج شده بود، تخمک را بازسازی کنند. در این شیوه با تحریک تخمک بازسازی‌شده، به وسیله داروهای شیمیایی یا جریان الکتریکی تخمک فعال و تقسیم سلولی آغاز می‌شود و پس از انجام تقسیم سلولی تخمک به رحم مادر یا مادر جانشین منتقل می‌گردد و ادامه رشد او طبیعی و همچون سایر جنین‌هاست.

نوزاد از نظر ژنتیکی، جز در مورد تأثیرات دی‌ان‌ای موجود در میتوکندری تخمک، تطابق نسبتاً کاملی به کسی دارد که هسته سلول جسمی از او گرفته شده و جنسیت او همواره تابع آن شخص است. ویلموت به کمک این تکنیک موفق شد که نخستین پستاندار را که یک میش بود، به وجود آورد و نامش را دالی بگذارد. گفتنی است که از نظر علمی، تکنیکی که ویلموت و همکارانش به کار گرفتند، «تکنیک انتقال هسته سلول جسمی^۵ با اختصار اس.سی.ان.تی» نام دارد.

الف - فوآئد شبیه‌سازی انسان

هرچند همچنان ادعاهای مختلفی در مورد موفقیت در شبیه‌سازی انسان از گوشه و کنار شنیده می‌شود، اما تاکنون هیچ مورد موثق و رسمی در این زمینه گزارش نشده است. با وجود گزارش‌های رسمی که از موانع موجود در این شیوه

اعلام می‌شود و حاکی از آن است که جنین پس از انتقال به رحم جانشین از ادامه رشد بازمی‌ماند و علت آن را ساختار خاص بیولوژیکی تخمک پستانداران رده اول از جمله انسان می‌دانند، اما از نظر علمی انجام چنین کاری محال نبوده و پیشرفت علم می‌تواند در این زمینه نیز همچون شبیه‌سازی بسیاری از حیوانات به موفقیت بیانجامد.

در مورد کاربردها و فوائد کلونینگ انسانی مواردی از این قبیل ذکر می‌شود: از جمله این که این روش برای بچه‌دار شدن زوج‌های نابارور راه‌گشاست و از راه شیوه شبیه‌سازی می‌توان آن‌ها را صاحب فرزند کرد. همچنین در صورت ناتوانی زوج و زوجه با استفاده از این شیوه البته به کمک رحم شخص ثالث آن‌ها را نیز به آروزی داشتن فرزند رساند. بازتولید نوابغ یا انسان‌های با خصوصیات خارق‌العاده نیز از توانمندی‌های این شیوه است.

همچنین جلوگیری از تولد فرزند معیوبی که بیماری ارثی دارد، با استفاده از جایگزینی هسته فعال شخص سالم نیز از مزایای این روش است. به این شکل که اگر هم پدر و هم مادر دارای یک ژن نهفته معیوب باشند، به احتمال قوی فرزند معیوب به دنیا می‌آید، در حالی که اگر فرزند آن‌ها با شبیه‌سازی یکی از والدین باشد، احتمال سلامت او بسیار بالا می‌رود. از دیگر فواید این روش تشفی خاطر بازماندگان یک فرد با استفاده از شبیه‌سازی او پس از مرگش نام می‌برند. از فواید دیگر آن (که البته مربوط به شبیه‌سازی درمانی و مقوله‌ای متفاوت با شبیه‌سازی انسانی است)، امکان بازتولید اعضا و بافت‌های بدن جهت کمک به اعضای آسیب‌دیده می‌باشد که از آن در پیوند اعضا می‌توان استفاده کرد؛ بدون این که فرد مشکل پذیرش عضو و دغدغه آن را داشته باشد و یا به علت عمری که عضو پیوندی سپری

کرده، دلواپس عمر مفید آن عضو و اختلالات ناشی از آن باشد و نیز این امکان فراهم می‌شود که داروهای جدید به جای آزمایش روی انسان کامل بر روی این سلول‌ها آزمایش شوند.

ب - نظر علمای علم اخلاق در مواجهه با شبیه‌سازی انسان

در شبیه‌سازی جنین، پدر نقش خود در تولید مثل از طریق اسپرم را از دست می‌دهد و تنها صاحب هسته سلول است که در خصوصیات جنین نقش دارد. همچنین زن و مرد بدون این‌که ازدواج کنند، می‌تواند در صورت تمایل به داشتن فرزند با سفارش آن از طریق شبیه‌سازی فرزنددار شوند. در این صورت احتمال کاهش تمایل به ازدواج و ازهم‌پاشیدن بنیان خانواده وجود دارد.

نیز فرزندان طلاق همیشه با مشکلات روحی فراوان مواجه بوده‌اند. اگر به درستی آمار گرفته شود، درصد بالای مجرمین، معتادان و منحرفین از قواعد و احکام اجتماعی، فرزندان هستند که از نعمت خانواده به نحوی محروم بوده و یا در اثر جدایی پدر و مادر از کانون گرم خانواده بی‌بهره مانده‌اند. این موارد می‌تواند مؤید نگرانی‌های اخلاقی تولید انسان به شیوه کلونینگ باشد. جیمزکیو ویلسون می‌گوید: «مشکل اصلی شبیه‌سازی نه شیوه زاد ولد، بلکه تهدیدی است که متوجه ساختار خانواده‌ها می‌شود.» نگرانی ویلسون معطوف به این نکته شده که اصولاً همه کودکان باید دارای والدین باشند تا بتوان از آسیب‌های ناشی از آن در امان ماند. (کیوولسون و همکاران، ۱۳۸۲ ش.)

همچنین با رواج این روش عده‌ای از زنان به ابزاری جهت تولید انسان به این شیوه می‌شوند، چه افرادی که برای تامین تخمک بسیار زیاد لازم، در این روش

به علت احتمال پایین باروری در آن) و چه افرادی که جهت میزبانی جنین به کار گرفته می‌شوند، پس باید نگران زنان، اقلیت‌های نژادی و قومی، زندانیان و فقرا باشیم، از بیم این که برای نتیجه‌گیری از کلونینگ مورد بهره‌برداری واقع نشوند.

از دیگر احتمالات علمای علم اخلاق در زمینه شبیه‌سازی انسان احتمال استثمار انسان‌های تولیدشده به این روش و تبدیل شدن به نوعی کالا، به این ترتیب که به انسان‌های متحد تولیدشده جهت اهداف نظامی و یا برای کارکردن در محیط‌های زیان‌آور استفاده شوند و با این احتمال که این افراد برای این کار طراحی و با خصوصیات خاص این اهداف، سفارش داده شده باشند، به برده‌هایی که فقط اطاعت کنند و تمام مقاصد مافوق خود را اجرا کنند، تبدیل شوند که با همه اصول انسانی و اخلاقی مغایر است.

این که به فرد شبیه‌سازی شده به عنوان انبار یدکی اعضا نگاه شود تا با رشد و پرورش آن‌ها در مواقع لازم از اعضای آن‌ها برای سایرین استفاده شود نیز از دغدغه‌های علمای علم اخلاق است. لئون آرکاس می‌گوید: «شبیه‌سازی زاد و ولد را به نوعی تولید کالا مبدل می‌سازد.» (کیوولسون و همکاران، ۱۳۸۲ ش).

آیا کلونینگ انسانی را برای افزایش یا حذف ترکیبات نژادی خاصی یا همان تفکر اصلاح نژاد^۷ یا جاننشینی یک جنسی نسبت به جنس دیگر استفاده نخواهند کرد؟

با وجود اعمال تبغیضات نژادی و برخوردهای متعصبانه قومی در بین برخی نژادها با مطرح شدن بحث کلونینگ این مسأله در اذهان پررنگ شده که آیا این همانندسازی بشر که امکان تولید بشر از هر زن و نژادی که مد نظر افراد باشد، زمینه افزایش بی‌رویه یک نژاد خاص که که صاحبان صنعت کلونینگ به برتری

آن نژاد معتقدند و یا پذیرش سفارش تولید انبوه یک نژاد از سوی ممالک مختلف برای تولید انبوه افراد این نژاد و در اقلیت و فشار قرارگرفتن سایر نژادها سبب بروز بحران در سطح بین‌المللی نمی‌شود یا این که با توجه به این که افراد می‌توانند جنس فرد مورد نظر خود را سفارش دهند، با تقویت تمایلات یک جنس برای غلبه بر جنس دیگر چه عواقب و پیامدهایی دامن‌گیر جامعه بشری می‌شود؟!

ج - نگاه دینی

گوستافسون معتقد است: «امکان کلون‌سازی انسان فرصتی برای دانشمندان و حکیمان الهی فراهم کرده است تا با یگدیگر به گفتگوی اساسی بپردازند. کنکاش در فصول مشترک اخلاق، علم و الهیات می‌تواند باعث غنای موضوعات و مطالب همه آن‌ها شود. دانشمندان می‌توانند دریابند چگونه تحقیق در زمینه ژنتیک و زیست‌شناسی، پرسش‌های اعتقادی به وجود می‌آورد و حکیمان الهی می‌توانند مشاهده کنند چگونه اعتقادات مذهبی می‌توانند به دانش‌های جدید یاری رسانند. در جهان مسیحیت، سخنگوی واتیکان در یک بیانیه رسمی اعلام کرد: پندارهای شبیه‌سازی انسان، حکایت از بینش افسارگسیخته‌ای دارد که عاری از تمام ضوابط و معیارهای اخلاقی و انسانی است. واتیکان این شیوه را پیامد باوری وحشیانه خواند که فاقد اصول اخلاقی و انسانی است. کلیسای ارتدکس صربستان اعلام کرد که شبیه‌سازی انسان‌ها را فقط به هم شبیه می‌کند. تفاوت میان انسان‌ها در گذشته و حال و آینده از بین خواهد رفت. کودک مانند والدین خواهد شد. هویت‌ها از بین خواهد رفت. انسان فاقد اراده، تفکر و آزادی می‌شود.

کلیسای کاتولیک همانندسازی انسان را ممنوع اعلام کرد و آن را ناقض کرامت انسانی می‌داند. کلیسای کاتولیک در مورد رأی به غیر اخلاقی بودن شبیه‌سازی تمایزی بین شبیه‌سازی انسانی و شبیه‌سازی درمانی قائل نیست و در هر دو نوع شبیه‌سازی قائل به نقض حرمت انسانی است. پروتستان هم همانندسازی انسان را نکوهش کرده و آن را مغایر با آموزه‌های انجیل در باب روابط پدر و مادری می‌داند. آن‌ها معتقدند آفرینش مخصوص خداست و انسان با دست‌زدن به شبیه‌سازی در واقع در کار خداوند دخالت می‌کند.

اما پروتستان امکان جواز شبیه‌سازی در موارد خاص درمانی (بچه‌دارشدن فرد نازا) را رد نمی‌کند، اما در مورد استفاده‌های پژوهشی این فناوری متفق نبوده و برخی از ایشان آن را جایز و برخی دیگر آن را نقض حرمت بشری می‌دانند. بسیاری از علمای دین یهود شبیه‌سازی را ممنوع می‌دانند، اما گروهی دیگر نیز به جواز آن در موارد استثنایی نازایی و برخی نیز به جواز در صورت اثبات غلبه فواید آن بر مضراتش حکم می‌دهند، اما در هر دو صورت جواز، مشروط بر اینست که در این شیوه حرمت و کرامت بشری نقض نشود. همچنین علمای یهود در موارد همانندسازی درمانی حکم به جواز آن داده‌اند.

تاکنون اکثر قریب به اتفاق علمای اهل سنت این عمل را خلاف شرع و حرام دانسته و دلایل متعددی بر ضد آن اقامه کرده‌اند. دهمین نشست مجمع فقه اسلامی، به مسأله شبیه‌سازی انسانی اختصاص یافت و بیانیه نهایی منتشرشده به وسیله این مجمع، بر حرمت کامل این عمل درباره انسان تأکید داشت، اما در موارد محدودی نیز حکم به جواز آن در موارد استثنایی درمان نازایی دیده می‌شود. در

مورد شبیه‌سازی درمانی علمای اهل سنت آن را به دلیل اعتقاد به عدم حرمت از بین بردن جنین پیش از استقرار در رحم جایز می‌دانند.

عمده عالمان شیعه، شبیه‌سازی نباتی و حیوانی را مجاز می‌دانند و به استناد اباحه اصلی، آن را عملی مباح می‌شمارند. در باب شبیه‌سازی درمانی نیز آن را جایز می‌دانند، لیکن درباره حکم شبیه‌سازی انسانی، در میان علمای شیعه اتفاق نظری وجود ندارد، زیرا آنان درباره شبیه‌سازی انسانی نظریات متفاوت و گاه متضادی اتخاذ کرده و فتواهای مختلفی را نیز صادر کرده‌اند و در حالی که برخی آن را کاملاً مجاز شمرده‌اند، برخی دیگر از عالمان شیعه آن را حرام شمرده‌اند. هنگام بررسی سخنان و فتواهای مختلف عالمان شیعه می‌توان به چهار نظریه زیر دست یافت: جواز مطلق شبیه‌سازی انسانی، جواز محدود شبیه‌سازی انسانی، حرمت ثانوی شبیه‌سازی انسانی، حرمت اولی شبیه‌سازی انسانی. (اسلامی، ۱۳۸۴ ش).

برخی از فقها و صاحب‌نظران بنا بر عدم وجود نص بر حرمت شبیه‌سازی انسانی و به استناد قاعده «کل شیء لک حلال حتی تعلم انه حرام بعینه فتدعه» و به استناد اصل اباحه اصلیه، شبیه‌سازی انسانی را مجاز شمرده‌اند. برخی بر اساس نصوص موجود و به استناد اصل اولی در این مورد، شبیه‌سازی انسانی را مجاز شمرده‌اند، اما بر این نظرند که انجام گسترده شبیه‌سازی انسانی مشکلاتی فراهم می‌آورد؛ در نتیجه، آنان حکم به جواز موردی و فردی داده و آن را در سطح کلان غیر مجاز شمرده‌اند. از این منظر شبیه‌سازی انسانی تنها به گونه‌ای موردی و در سطح فردی و محدود مجاز است.

برخی از عالمان و فقهای شیعه بر این نظرند که شبیه‌سازی انسانی فی نفسه و به عنوان اولیه خود اشکالی ندارد و به استناد اصاله الاباحه جایز است، لیکن انجام

آن به مفاسدی اجتناب‌ناپذیر خواهد انجامید. از این رو برای پیشگیری از این مفاسد، شبیه‌سازی انسانی به عنوان ثانوی حرام به شمار می‌رود. نگرش دیگر اساساً شبیه‌سازی انسانی را به عنوان فعلی که فی نفسه حرام است، معرفی می‌کند و آن را به عنوان اولی نامشروع می‌داند، البته این نگرش قائلان اندکی دارد و دلایل چندانی به سود آن اقامه نشده است.

د - موانع مشروعیت شبیه‌سازی انسان و نظر متفکران شیعه موافق کلونینگ

در بین علما گاهی این نظر مطرح شده که شبیه‌سازی حرام است، آن هم به علت این‌که دخالت در کار خداوند محسوب می‌شود. گفته شده که این اشکال از متدینان غربی ریشه گرفته است، زیرا در کار خداوند امکان دخالت وجود ندارد. انسان نمی‌تواند روح تولید کند. با کلون‌سازی یا هر شیوه دیگری مقتضیات حیات حیوانی فراهم می‌شود، اما روح را خداوند سبحان می‌دهد. بنابراین کلون‌سازی دخالت در کار خدا نیست. دیدگاه افرادی مانند قدسی مآب پاپ اعظم که کلون‌سازی را دخالت در کار خدا می‌دانند، از منظر اسلامی صحیح نیست. واقعیت آن است که نفس ناطقه را خداوند می‌دهد و انسان تمام هنرش این است که به هر شکل، مقتضیات حیات حیوانی را پدید آورد. زمانی تنها راه فراهم‌آوردن مقتضی برای تولید انسان، اسپرم و تخمک بود و حالا مقتضی به نحو دیگری فراهم می‌شود. باز هم خالق خداست. در این مورد باز انسان شرایط را فراهم می‌سازد، خلقت و آفرینش مخصوص خداست و این دخالت در آفرینش نیست.

از مخلوق خدا استفاده می‌شود تا مخلوق خدا پدید آید و روح را خدا می‌دهد و ما فقط مقتضیات حیات حیوانی را فراهم می‌سازیم، همانطور که مقتضیات حیات

نباتی را فراهم می‌سازیم. خداوند می‌فرماید: «افرایتم ما تحرثون، انتم تررعونه ام نحن الزارعون؛ شما شخم می‌زنید، تخم را می‌کارید، آبیاری می‌کنید، آیا شما کشاورزید؟» نه، کشاورز واقعی خداست. شما مقتضیات را فراهم می‌سازید. شهید بزرگوار استاد مطهری به این پرسش‌ها این‌گونه پاسخ می‌دهند: «بشر اگر روزی چنین توفیقی حاصل کند، از نظر کشف علمی کار مهمی کرده، ولی از نظر دخالت در ایجاد حیات، همان مقدار دخالت دارد که پدر و مادر از طریق تناسل در ایجاد حیات فرزند دخالت دارند و یا کشاورز در ایجاد حیات دانه‌های گندم دخالت دارد. در هیچ یک از این موارد، انسان خلق‌کننده حیات نیست، فراهم‌کننده شرایط قابلیت یک ماده برای حیات است بشر حیات نمی‌دهد، قابلیت ماده را برای افاضه حیات کامل می‌کند.» (بجنوردی، ۱۳۸۱ ش.) در سوره نساء، آیات ۱۱۵-۱۱۹ خداوند متعال می‌فرماید: «ان الله لا یغفر ان یشرک به... ولأمرنهم فلیغیرن خلق الله...».

گروهی با استناد به این آیه چنین استنباط می‌کنند که شبیه‌سازی انسانی مصداق تغییر سنت خلق‌الله است و بر اساس این آیه باید به حرمت شبیه‌سازی انسان حکم داد، چراکه سنت الهی در خلق بشر از طریق ازدواج زن و مرد است، اما در شبیه‌سازی نیاز به هر دو جنس نیست و این مغایر با سنت الهی خلق است. در مقابل این نظر علمایی که به این نظر قائل نیستند، چنین پاسخ می‌دهند که معنای خلقت فقط این نیست که حتماً باید از طریق ترکیب اسپرم و تخمک فرزندی پدید آید. از طریق دیگری نیز ممکن است انسانی پدید آید که در آفرینش او مرد و زن به نحو دیگری دخالت داشته باشند.

اگر در قرآن مجید آمده که «انا خلقناکم من ذکر و الانثی» این به روش معمول اشاره می‌کند، یعنی غالب مردم از طریق ترکیب اسپرم و تخمک پدید

می‌آیند. حال با روشی دیگر ما از مخلوق خداوند سبحان، انسان دیگری پدید می‌آوریم. این انسان باز هم مخلوق خدا محسوب می‌شود. در عالم خلقت، ما استقلال نداریم. ما از مخلوق خداوند سبحان استفاده می‌کنیم و این هم ظاهراً هیچ اشکالی ندارد. این که بشر بتواند روزی بدون استفاده از تخمک، کلون‌سازی کند، یعنی مرد بدون دخالت زن صاحب فرزند شود و یا حتی به رحم هم برای رشد آن نیازی نباشد، این هم علی‌الظاهر اشکال ندارد. باز هم از مخلوق خداوند سبحان، مخلوقی پدید می‌آید، یعنی همه این‌ها به مبدأ خالقیت خداوند سبحان برمی‌گردد. انسان در خالقیت استقلال ندارد. وقتی زن و مرد با هم تقارب می‌کنند، آن‌ها خالق نیستند. قرآن مجید می‌فرماید: «افرایتم ماتمنون، انتم تخلقونه ام نحن الخالقون؛ شما تقارب می‌کنید، شما شرایط را فراهم می‌سازید، و فعل شما معد است. خالق خداوند سبحان است.» (بجنوردی، ۱۳۸۱ ش).

برخی معتقدند با انجام عمل کلونینگ کرامت انسان زیر پا گذاشته می‌شود. انسان شبیه‌سازی شده دیگر از کرامت یک انسان برخوردار نیست، چراکه امکان هر گونه سوء استفاده ابزاری از او وجود داشته و به علت دخالت شخص یا اشخاصی در تولید وی و محفوظ‌دانستن حق استفاده از فرد شبیه‌سازی شده توسط این افراد کرامت انسانی او زائل می‌شود.

در شبیه‌سازی درمانی هم با از بین بردن جنین قبل از این که به انسان کاملی تبدیل شود، کرامت انسانی وی را زیر سؤال می‌برد، چراکه در اینجا جنین برای به دست آوردن سلول‌های بنیادی از بین می‌رود و در حد ابزاری برای یک هدف دیگر تنزل می‌یابد و ریشه این نظر هم در این تفکر است که لحظه لقاح، همان لحظه حلول روح انسانی است، پس از آن لحظه به بعد باید شأن یک انسان کامل برای

جنین قائل بود و همان‌گونه که زندگی یک انسان کامل را نمی‌توان برای اهداف دیگر گرفت، زندگی این جنین چندروزه هم محترم و از بین‌بردن آن ممنوع است. اما در مورد نقض کرامت انسانی در شبیه‌سازی درمانی، نظرات در ادیان مختلف، متفاوت است، چراکه در زمان حلول روح انسانی در جنین اختلاف عقیده دارند. در این بین دین یهود که اعتقاد دارد جنین تا وقتی در رحم شرایط ادامه رشد را پیدا نکرده از شأن انسانی برخوردار نیست، اجازه شبیه‌سازی پژوهشی را نیز می‌دهد و از بین‌بردن جنین در این مرحله را در تناقض با کرامت انسانی نمی‌داند.

اما کاتولیک‌ها به علت این‌که برای جنین انسانی از زمان انجام لقاح حرمت قائلند و آن را دارای شأنیت انسان می‌دانند، همانندسازی درمانی را ممنوع می‌دانند و معتقدند شبیه‌سازی درمانی به نوعی کرامت انسانی را نقض می‌کند. در این بین پروتستان‌ها در مورد شبیه‌سازی درمانی هم عقیده با علمای یهودند و از بین‌بردن جنین را تا پیش از استقرار در رحم جایز دانسته و با کلونینگ درمانی موافقند. در مورد علمای مسلمان هم از آنجا که ایشان برای از بین‌بردن جنین قبل از لانه‌گزینی در رحم قائل به حرمت نیستند، شبیه‌سازی درمانی را جایز دانسته و تهیه سلول‌های بنیادی جنینی را از آن، هرچند منجر به از بین‌رفتن جنین قبل از انتقال به رحم می‌شود، دارای اشکال نمی‌دانند.

این در حالیست که دانشمندان علوم زیستی معتقدند که در حاملگی طبیعی هم تعداد زیادی تعداد زیادی از تخمک‌های بارور شده از بین می‌روند. علاوه بر آن در روش درمانی ناباروری IVF هم تعداد زیادی از تخمک‌های بارور شده به علت اضافه‌بودن از بین می‌روند، در حالی که به از بین‌رفتن فراوان جنین در این موارد ایرادی وارد نمی‌کنند. این‌که آیا شخص کلون شده با نسخه اصلی چه نسبتی دارد

و آیا این دو با هم رابطه والد و فرزندی دارند، آیا شخص کلون شده خواهر یا برادر شخص می‌شود؟ یا این که اصلاً با هم دوقلو محسوب می‌شوند؟

در این مورد علمای شیعه اتفاق نظر ندارند. برخی معتقدند عناوین الاب و الاخ و الاخت در مورد چنین ولدی صادق نیست، یعنی شبیه دوقلو است، پس صدق برادر و خواهر نمی‌کند، پس هیچ یک از عناوین نسبی بر آن صادق نیست، ولی عنوان الأم در اینجا شبیه مادر رضاعی است که او را پرورش داده، نباید با این مادر ازدواج کند، چون مثل مادر رضاعی است، زیرا گوشت و پوست او از آن زن پرورش یافته است. بنابراین احکام محارم جاری نمی‌شود جز نسبت به مادر احتیاطاً.

نظریه دیگر متفاوت با این نظر است و اعتقاد دارد در خانواده‌ای که مرد توان تولید اسپرم ندارد و از یکی از سلول‌های زن، کلونی تهیه می‌شود که شبیه مادر خویش است و پدر در ایجاد او دخالت ندارد، رابطه شرعی از این قرار است که اگر پدر در ایجاد او هیچ دخالتی نداشته باشد، آن فرزند بچه زن او محسوب می‌شود و بچه زن چنانچه دختر باشد، به او محرم است و ربیبه او محسوب می‌شود. در قرآن آمده است بچه‌های زن‌هایی که با آنان هم‌بستر می‌شوید، بر شما حرام است. اگر کلون‌سازی از مرد صورت گیرد و زن در ایجاد فرزند دخالت نداشته باشد، در این صورت بچه شوهر محسوب می‌شود و بر زن محرم است. (بجنوردی، ۱۳۸۶ ش).

در زمینه حقوقی نیز بر فرد شبیه‌سازی شده مسائلی مترتب است که به اجمال بر آن‌ها مروری می‌کنیم. اولین نکته حقوقی که منشأ ابهامات بعدی می‌شود، مسأله نسب است، چراکه نسب فرد مشخص‌کننده بسیاری از حقوق و تکالیف قانونی او می‌شود. از آنجایی که ارائه‌کنندگان این نظر مسأله نسب را در حاله‌ای از ابهام می‌دانند، پس سایر مسائل حقوقی مرتبط با آن را نیز مبهم می‌شمرند. این که آیا

این کودکی متولد شد از نظر نسب ملحق به چه کس یا کسانی خواهد بود؟ آیا فقط منتسب به فردی است که از او هسته سلول را دریافت کرده‌اند؟ در صورتی که صاحب رحم و متقاضی شبیه‌سازی دو فرد مختلف باشند، آیا صاحب رحم در زمینه نسب او نقشی نخواهد داشت؟ بین فرد صاحب رحم و کودک شبیه‌سازی‌شده چه قواعد شرعی برقرار است؟

در مورد نسبت او با فرد صاحب هسته رابطه والد و فرزند است، دوقلویند یا در مرتبه خواهر و برادری است؟ در همین راستا فرد شبیه‌سازی‌شده در برخورد با مسائل حقوقی از قبیل حضانت، ارث‌بردن او، ارث‌بردن از او، نفقه و ولایت و سایر مسائل مرتبط دچار سرگشتگی و مشکل می‌شود. در زمینه حقوق اجتماعی و عمومی نیز این سؤال مطرح است که آیا این فرد با بقیه افراد جامعه که از راه طبیعی متولد می‌شوند، در یک سطح خواهد بود و یا این‌که شهروند درجه دو محسوب می‌شوند و در مقابل سایر افراد از شأن اجتماعی نازل‌تری برخوردارند؟ با توجه به این‌که در مورد نسب فرد شبیه‌سازی‌شده دو قول وجود دارد، عده‌ای معتقدند فرد شبیه با اصل خود دوقلو حساب می‌شوند. منتها دوقلویی که با اختلاف زمانی به دنیا می‌آیند و عده‌ای نیز اعتقاد دارند رابطه بین این دو رابطه والد و فرزند است و هر گروه نیز ادله خاص خود را برای اثبات مدعای خود دارد، سرنوشت حقوق مترتب بر این فرد چه می‌شود؟ چراکه با قبول قول هر کدام از این مبانی مسائلی همچون حضانت، ارث، نفقه، ولایت و سایر مسائل مترتب بر او متفاوت خواهد بود.

اما از آنجا که هر کدام از این نظریات بر پایه دلایل مختلفی است و توجیه خاصی دارد، می‌توان با فراهم کردن یک بستر گفتگو بین صاحب‌نظران آن، اعم از

حقوقدانان و متفکران دینی (و در جوامع مسلمان بر اساس نظریات فقها و متشرعین) مسأله را به بحث گذاشت و بر اساس منطق به آن پاسخ داد و پس از حصول وحدت نظر در مورد نسبت این دو فرد قوانین و مقررات آن رابطه را که مسلماً در همه مجموعه‌های حقوقی موجود است، بر آن‌ها بار کرد. در ثانی نمی‌توان سد راه پیشرفت علم شد، آن هم به علت این‌که قوانین لازم و مورد نیاز این گام را نداریم. در ضمن هرچند بسیاری از قوانین مربوط به پیشرفت‌های علمی بعد از گذشت سالیان درازی از ظهور آن‌ها وضع شده‌اند، اما به علت حساسیت این مورد و انسان‌بودن موضوع این قدم علمی، به جاست تا قبل از تحقق آن، ملزومات و حقوق مورد نیاز آن تعریف شده و بحران پیش‌بینی‌شده را دفع کند. در مورد حقوق اجتماعی این فرد نیز از آنجا که او نیز یک انسان است، مسلماً باید از حقوق و آزادی‌های سایر انسان‌ها برخوردار باشد، اما برای پیشگیری از سوء استفاده از آنان می‌توان قوانین حمایتی نیز وضع و با خاطری آسوده بستر پیشرفت علم در محیطی امن را فراهم کرد.

از دیگر موانع مطرح شده اینست که گروهی معتقدند که مالک واقعی این جسم، انسان نیست، بلکه انسان فقط در این دنیا جسم را به عنوان امانتی در دست دارد و تمامی قوانین امانت اعم از عدم حق دخالت و دخل و تصرف در آن - مگر به اذن مالک - بر آن جاری می‌شود، پس در مورد شبیه‌سازی نیز که دخل و تصرفی است در این مورد امانت انسان به واسطه این‌که چنین اجازه‌ای از سوی مالک حقیقی جسم اخذ نشده، این عمل ممنوع و حرام است و اگر چنین کند باید پاسخگو باشد و مستوجب مجازات است. نیز بدن ما ملک خداست و ما اجازه‌ای

نداریم که از آن برداریم و روی آن کار کنیم و در تخمک ماده قرار دهیم تا در رحم بماند و پرورش پیدا کند.

در مورد این اشکال باید گفت اگر با استناد به این مقدمه بخواهیم به شبیه‌سازی ایراد بگیریم، باید قبل از آن سایر دخل و تصرفات انسان در جسمش - که از نمونه‌های آن می‌توان اهدای اعضا، جراحی‌های زیبایی اندام و سایر موارد مشابه آن را نام برد - که امروزه رواج هم داشته و مورد تأیید علمای ادیان مختلف نیز می‌باشد را محکوم کنیم و این در حالیست که غالب فقهای معاصر شیعه صراحتاً یا تلویحاً مالکیت انسان بر جسد خویش را پذیرفته‌اند. برخی به استناد این مالکیت نه تنها تصرف انسان در جسد خود، بلکه فروش اعضای تن خویش را، که عالی‌ترین شکل مالکیت است، مجاز شمرده‌اند و این منطق اصاله الحظری‌ها است که اصل را در همه اشیا حرمت می‌دانند، در حالی که به اعتقاد ما اصل در اشیا اباحه است و این که ما ملک خدا هستی، مالکیت تکوینیه الهی است و در مقابل داریم که «خلق لکم ما فی الارض جمعاً و یا الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم» که این‌ها با مالکیت تکوینیه الهی منافات ندارد و بر فرض هم ملک خدا باشد، خدا خودش بر اساس کل شیء لک حلال اجازه داده است.

گروه دیگری از علما معتقدند همانندسازی انسان مخالف فطرت بشری است و اگر علت منع جهانی همانندسازی انسان هم همین مخالفت داشتن با فطرت انسانی است، پس از آنجا که نمی‌توان مخالف فطرت عمل کرد، این کار هم حرام است، لکن در این مورد هم مطرح‌کنندگان آن می‌بایست ادله کافی در مورد ادعای خود بیاورند و ثابت کنند که این کار مخالف فطرت بشر است، در حالی که دلیل محکم

و مستدلی برای آن احراز نکرده‌اند و گرنه اثبات همین مدعا می‌تواند دلیل محکمی بر ممنوعیت شبیه‌سازی انسان باشد.

از آنجایی که در تکنولوژی شبیه‌سازی انسان یک طرف به تنهایی می‌تواند صاحب فرزند شود و برای داشتن نسب و فرزند از گوشت و خون خود دیگر نیازی به ازدواج ندارد، بیم این می‌رود که مسأله نکاح و ازدواج که یک امر طبیعی است، برچیده شود و نظام خانوادگی مختل شود و بسیاری از زنان بی‌شوهر باردار شوند و یا زنی از وجود خودش باردار شود که ظاهراً مادر و فرزند هستند و یا مردی که تمایل دارد فرزند داشته باشد به راحتی با سفارش آن به مؤسساتی که این کار را انجام می‌دهند، پدر شود، در حالی که اخلاق در سطح جهانی این عمل را نمی‌پذیرد.

در مقابل این نظر هم می‌توان وضع قوانین محدودکننده و اعمال نظارت همه جانبه بر این شیوه را پیشنهاد کرد تا با نظارت دقیق بر آن از حرکت این فناوری به سمتی که منجر به این اختلال در نظام شود، پیشگیری و در عین حال هم از پیشرفت علم بر پایه حدس و گمان جلوگیری کرد و هم از خدمات قابل توجه آن سود جست.

نتیجه‌گیری

نتیجه مباحث مطرح‌شده در این تحقیق گویای این مطلب است که مخالفت با تحقیقات در زمینه تکنیک شبیه‌سازی و مقابله و سرسختی در مقابل آن به دلیل احتمال بروز خطراتی که هنوز به اثبات نرسیده، معقول نیست. کما این‌که در مورد سایر ابداعات و اکتشافات بشری نیز چنین بوده و چه بسا برخی اختراعات با ضریب خطری بالا و احتمال به جا گذاشتن فجایع بزرگ بشری به علت قابل توجه بودن امکانات و خدمات آن به بشر پا به عرصه ظهور گذاشته و با التزام به رعایت احتیاط در استفاده از آن‌ها و با وضع قوانین مناسب و کنترل‌کننده، همراه با نظارت بر استفاده از آن توانسته گام‌های بلندی در راه آسایش بشر بردارد.

در این زمینه نیز اولاً می‌توان با همین روش، یعنی وضع قوانینی که اجازه سوء استفاده از آن را ندهد، خصوصاً قوانین حمایتی، از خدمات این تکنولوژی بهره برد، در عین حال که مانع پیشرفت آن در زمینه‌های دارای کاربرد مثبت نیز نشد؛ ثانیاً اگر در هر مرحله‌ای این تحقیقات و پژوهش‌ها منجر به ضررهای عمده برای بشر شد و یا گام در مسیر فجایع بشری گذاشت، می‌توان دستور توقف و ممنوعیت آن را صادر کرد.

در برخی موارد نیز شبیه‌سازی درمانی و شبیه‌سازی انسانی یکی فرض شده و بدون در نظر گرفتن تفاوت‌ها و اهداف آن‌ها، به طور کلی قضاوت به ممنوعیت شبیه‌سازی می‌شود که البته فیلم‌ها و داستان‌های تخیلی نیز به آن‌ها دامن زده‌اند و نوعی دغدغه فکری بی‌اساسی را در اذهان عمومی که به درستی مفهوم آن را درک نکرده‌اند، ایجاد می‌کند. از مصادیق آن هم اینست که این تصور را ایجاد می‌کنند که در شبیه‌سازی فردی به عنوان شبیه ساخته می‌شود و او را به عنوان

قطعات یدکی فرد نگهداری و پرورش می‌دهند و در موقع نیاز از اعضای او استفاده می‌کنند، در حالی که تأمین بافت از شبیه مربوط به شبیه‌سازی درمانی است که در آن از سلول‌های بنیادی فرد که قابلیت تبدیل به هر بافتی را دارند، فقط بافت یا عضو مورد نظر تشکیل می‌شود و اصلاً جنین به مرحله انتقال به رحم نرسیده و از بین می‌رود.

در عین حال باید متذکر شد تاریخ نشان داده هر کجا در مورد پژوهش در زمینه‌ای سختگیری اعمال و ممنوعیت بدون انعطاف اعلام شده، اما باور برخی بر مصلحت انجام آن بوده، نه تنها ممنوعیت باعث توقف و پایان یافتن فعالیت در آن زمینه نشده، بلکه در خفا و بدون هیچ گونه نظارتی به رشد خود ادامه داده تا آنجا که به ثمرهای جدید دست یافته و رسماً آن را اعلام کرده است. این در حالیست که همه واقفند اگر قرار به رشد و گسترش دامنه این تکنیک باشد، برای نظارت بر آن و کنترل و جلوگیری از رشد در زمینه‌های منجر به اختلال نظام بشری، مصلحت جامعه بشری در آن است که این گونه تحقیقات به صورت شفاف و قانونی و تحت نظارت دقیق برای بررسی کلیه جوانب آن انجام گیرد.

در مورد شبیه‌سازی انسان ابهامات و نگرانی‌هایی در زمینه اخلاقی، حقوقی و باورهای مذهبی وجود دارد که جا دارد علمای علم اخلاق با پخته‌تر کردن این نظرات و ارائه مجموعه مدونی از دید جامع به این مسأله به جامعه دینی و علمی بین‌المللی برای خروج این مسأله از بن‌بست و حل اختلاف‌نظرات موجود در این زمینه کمک کنند.

پی‌نوشت‌ها

1. Research Cloning
2. Therapeutic Cloning
3. Embryonic Stem Cell
4. Somatic Cell
5. Somatic Cell Nuclear Transfer
6. SCNT
7. Eugenic

فهرست منابع

الف - فارسی:

- اسلامی، حسن. (۱۳۸۴ ش.). شبیه‌سازی انسانی از دیدگاه شیعه. نشریه فقه. شماره چهل و چهارم.
- بجنوردی، محمد. (۱۳۸۱ ش.). بشر فراهم‌کننده مقتضیات است. روزنامه همشهری. شماره ۲۹۶۲.
- بجنوردی، محمد. (۱۳۸۶ ش.). اندیشه‌های حقوقی ۱. تهران: نشر مجد، چاپ اول، ص ۱۵۰.
- کیوولسون، جیمز. آرکاس، لئون. (۱۳۸۲ ش.). شبیه‌سازی و گسست اخلاقی. ماهنامه سیاحت غرب. سال اول، شماره هشتم.

ب - لاتین:

- Cole-Turner, R. (2005). *Design and Destiny: Philosophical and Religious Perspectives on Human Germline Modification*. Available at: <https://mitpress.mit.edu/books/design-and-destiny>.
- Jones, HW. Edwards, RG. Seidel Jr, GE. (1994). On attempts at cloning in the human. *Journal of Fertil Steril*. 61(3): 423-426.
- Nelkin, D. Lindee, S. (1998). *La mystique de l'ADN*. Paris, Belin. Available at: http://ses.tice.ac-orleans-tours.fr/php5/pedagogie/fiches_lecture/mystique_adn.html.
- Renard, JP. Legouy, E. Chastant, S. Heyman, Y. Vignon, X. (1999). Clonage: le présent et les perspectives. *Contraception, fertilité, sexualité*. 27(6): 405-411.

Safian, M. Hanani, Y. (2005). *Islam and Biotechnology: With Special Reference to Genetically Modified Foods*. Science and Religion: Global Perspectives. 4-8. Available at: http://www.metanexus.net/archive/conference2005/pdf/mohd_safian.pdf.

Walshak, LG. (1999). *Cloning Human Beings: Report and Recommendations of the National Bioethics Advisory Commission*. Available at: <http://bioethics.gov/bioethics/pubs.html>.

یادداشت شناسه مؤلفان

مرجان سهرابی: کارشناس ارشد فقه و حقوق، پژوهشگر پژوهشکده فلسفه و حقوق تطبیقی، تهران، ایران.
غفور خوئینی: دانشیار دانشگاه خوارزمی، رییس پژوهشکده فلسفه و حقوق تطبیقی، تهران، ایران. (نویسنده
مسئول)

پست الکترونیک: khoeini@pmu.ac.ir

Examination of Shi`ite's View on Human Cloning*Marjan Sohrabi**Ghafoor Khoieni***Abstract**

Religious positions on human cloning are pluralistic in modes of argument and conclusions. Some religious thinkers argue that cloning a human is immoral and propose a ban on human cloning. Some other religious thinkers contend that human cloning could be morally justified under some circumstances.

The Roman Catholic Church expressed a vigorous opposition to the procedure and a Vatican editorial denounced the research as "intrinsically perverse" Catholic moral theologians invoked norms of individuality, dignity and wholeness in condemning this research while many Conservative Protestant scholars held that this research contravened basic notions of personhood such as freedom, the sanctity of life, and the image of God, and some other Protestant scholars noted its potential medical benefits and advocated careful regulation rather than prohibition.

Some Jewish and some Islamic thinkers (Shi`ite) encourage continuing laboratory research on the possibility of cloning human beings only in pursuit of a worthy objective. The Islamic scholars emphasize that every scientific discovery is ultimately a revelation of the divinely ordained creation.

In this research cloning scientific bases and Shi`ite authorities beliefs (as a major religious group who agree with human cloning) will be discussed.

Keywords

Human Cloning, Asexual Reproduction, Shi`ite